

فضای مجازی و آسیب‌ها

فضای مجازی ظرفیت آن را پیدا کرده تا هر گاه خواستیم مفری برای فرار از بار مسوولیت پیدا کنیم، آن را به عهده فضای مجازی ببنداریم. از جمله قتل فجیع یک خانم در اهواز را به عهده آن انداختند و دیدیم که آقای زیدآبادی به طعنه و طنز گفت که مقصر اصلی آهن است که توانسته‌اند با آن کارد برنده‌ای بسازند و گردن دختر را گوش تا گوش قطع کنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی فعال سیاسی اصلاح‌طلب نوشت: فارغ از این طعنه؛ آقای دادستان کل در این باره گفته‌اند: «در اهواز حادثه وحشتناکی توسط همسر یک زن در یکی از میادین اهواز به راه افتاد که بنیان اصلی آن به فضای مجازی برمی‌گردد، موضوع از این قرار است که در فضای اینستاگرام فردی از کشور سوریه خانم را فریب می‌دهد و بعد از مدتی به کشور ترکیه رفته و در آنجا عکس‌ها و فیلم‌هایی را می‌گرفتند و از طریق اینستاگرام به همسر خود ارسال می‌کردند، بعد از مدتی زن به کشور باز می‌گردد و علت بریده شدن سر زن اهوازی توسط همسر خویش، همین فضای مجازی است که باعث تحریک شدن همسر زن بود.» مساله این است که این رفتارها از جمله فرار دختران و زنان از خانه مربوط به سال‌های اخیر نیست، پیش از انقلاب هم وجود داشت، بسیاری از زنان اماکن خاص فراری‌های از خانه به ویژه از شهرستان‌ها بودند. آن زمان تقصیر کی بود؟ با این منطق باید تقصیر خودرو و قطار و هواپیما گذاشت که امکان نقل و انتقال سریع و دور را به آنان می‌داد! واقعیت این است که هر پیشرفتی در فناوری برای همه اعم از افراد عادی یا مجرم، امکانات جدیدی را فراهم می‌کند. نمونه آن اسلحه است.

بسیاری از جرایم با اسلحه انجام می‌شود، پس چرا اصل وجودی آن را نفی نمی‌کنند؟ شاید بگوییم داشتن اسلحه را می‌توان ممنوع کرد، پس آیا فضای مجازی را هم باید ممنوع کرد؟ این استدلال نادرست است، زیرا داشتن چاقو را چرا ممنوع نمی‌کنیم؟ برای اینکه با منع داشتن چاقو، زندگی مختل می‌شود. حتی اتفاقاً بسیاری معتقدند که اسلحه را هم باید آزاد کرد، زیرا در جامعه‌ای که ممنوعیت اسلحه فقط شامل افراد و شهروندان عادی می‌شود و افراد شرور و مجرم به هر نحوی که بتوانند اسلحه را تهیه می‌کنند، مردم را در برابر مجرمین خلع سلاح کرده‌ایم. در این میان مجرمین سلاح دارند، ولی مردم عادی از داشتن آن محروم شده‌اند. البته در یک جامعه‌ای که پلیس قدرتمند است، ماجرا فرق می‌کند. بگذریم.

به نظر می‌رسد که در برابر پیشرفت‌های فناوری نباید موضع انفعالی و دفاعی گرفت و خواهان محدودیت شد، چون منافع آن بسیار زیاد و وجودش ضرورت پیشرفت است و هزینه‌های آن از جمله استفاده افراد شرور و مجرمین را باید از طریق سازوکارهای درونی آن و نیز آموزش و فرهنگ‌سازی کنترل کرد. بدون تردید اگر آن خانم مقتوله تماس اینترنتی نداشت به آن رابطه کشیده نمی‌شد، ولی به احتمال فراوان مثل نسل‌های پیش از خودش از طریق دیگر به ایجاد رابطه‌ای عاطفی اقدام می‌کرد.

مشکل اینجاست که اگر دختر ۱۲ ساله را شوهر دهید و زندگی زناشویی برای او از زمانی آغاز شود که باید سرگرم آموزش و تفریح و بازی باشد، در این صورت او را وارد سیاهچاله‌ای خطرناک کرده‌اید و همزمان به دست او نیز یک وسیله خطرناک مثل تلفن هوشمند داده‌اید. در اینجا، مسوولیت اصلی به عهده اینترنت نیست، اینترنت هم مثل خودرو فقط سرعت حمل و نقل را زیاد می‌کند و اگر کسی خواست فرار کند، از این طریق عمل خواهد کرد، ولی از هر یک میلیون مسافر شاید یک نفر قصد فرار داشته باشد. بنابراین مشکل اصلی، رویکردی است که نسبت به پدیده‌ها و فناوری‌های نو وجود دارد. رویکرد شکست‌خورده‌ای که از زمان ورود هر فناوری به ایران با مخالفت محافظه‌کاران مواجه می‌شد، حتی آن را حرام می‌دانستند، ولی تاکنون سابقه نداشته که بتوان جلوی پیشرفت حتی یکی از فناوری‌ها را گرفت؟ چون پیشرفت آن متناسب با نیاز بشر است. چیزی که نیاز بشر است نمی‌توان راهش را سد کرد.

هر گونه مقاومت در برابر آن فقط روح و جسم را فرسوده می‌کند، سپس در برابرش کوتاه می‌آیند و منفعل می‌شوند. بهترین راه، استقبال از فناوری است، طبعاً می‌توان مردم را برای کاهش عوارض سوءاستفاده از آن همراه کرد و بدون کاربرد روش‌های گرفتن و بستن و جمع کردن و مجازات نمودن، استفاده صحیح از آن را ترویج کرد و جلوی تبعات منفی آن را گرفت یا کم کرد. به‌طور قطع باید گفت که دشمنی با اینترنت و فضای مجازی حتی از دشمنی با روزنامه و رادیو و تلویزیون هم بی‌ثمرتر است.

توجه: مطالب مندرج در پرسون الزاماً به منزله دیدگاه و موضع مسئولان این رسانه نیست. رسانه پرسون صرفاً ماهیت و وظیفه اطلاع رسانی دارد.

منبع: اعتماد